

شب نیمه شعبان شب برات

نویسنده: عبدالحسین ترکی

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی آن "شب قدر" که این تازه "براتم" دادند "شعبان" ماه هشتم از ماه های قمری است که بعد از ماه رجب و قبل از ماه رمضان قرار دارد. جمع آن "شعبانات" و "شعابین" است. این نام از ریشه "شعب" گرفته شده که هم بر جایی و افتراق و هم بر فراهم آمدن و اجتماع دلالت دارد. بعضی از اهل لغت گفته اند "این واژه از اصداد است" ولی دیگران آن را از باب اختلاف لغات دانسته اند. کلمه "شعب" به معنی امت و قوم نیز از همین ریشه گرفته شده است. چنان که خداوند فرمود: "و جعلناکم شعوباً و قبائل و...؛ (۱) شما را از امت ها و قبیله ها قرار دادیم."

وجه نام گذاری شعبان، طبق روایتی از پیامبر اکرم (ص) آن است که خیر بسیار (ماه رمضان) از آن منشعب می گردد (۲) و نیز گفته شده: "چون شعبه های رحمت خدا در آن بسیار است، شعبانش نامند" یا به جهت آنکه روزی های بندگان خدا در این ماه بسیار منشعب می شود و حسنه مضاعف می گردد. اما عرب جاهلی چون در این ماه برای پیدا کردن آبشخور، یا به منظور غارتگری، پراکنده و منشعب می شدند، این را وجه تسمیه شعبان پنداشتند. از جهت عظمت و اهمیت این ماه که در مقدمه ماه مبارک رمضان قرار دارد، معمولاً آن را "شعبان المعظم" تعبیر می کنند و اوصافی برای این ماه پر فضیلت نیز منقول است:

۱۵- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۱. "شهر الزینه": به اعتبار آنکه ثواب حسنات در آن تا هفتاد برابر فزونی می یابد.

۲. "شهر الشفاعه": زیرا هر کس این ماه را روزه بدارد و همچنین هر کس بر محمد و آل محمد (ص) بسیار صلوات بفرستد، پیامبر اکرم (ص) او را شفاعت می کند.

۳. "شهر الرسول": در چند روایت آمده که این ماه به رسول خدا (ص) اختصاص دارد لذا آن را "شهر الرسول" نامیده اند (۳).

مرحوم آیت الله شهید سید محمد تقی موسوی اصفهانی (فقیه احمد آبادی) صاحب "مکیال المکارم" در کتاب "ابواب الجنات" در وجه تسمیه و علت نام گذاری این ماه به "شهر الرسول" آورده اند:

"در نام گذاری این ماه و نسبت و اختصاص آن به پیامبر (ص) دو وجه به قلب: این بنده عاصی خطور می کند:

۱. وجه ظاهری ۲. وجه باطنی؛ اما وجه ظاهری آن است که حضرت رسول اکرم (ص) فرموده اند: "حسین منی و

أنا من حسین؛ حسین (ع) از من است و من نیز از حسینم" و چون ولادت امام حسین (ع) در سوم یا به قولی در

پنجم این ماه واقع شده است (به همین خاطر) حضرت رسول آن را به خود نسبت داده و فرموده اند: "این ماه من

است". اما وجه باطنی چون شریعت مقدسه اسلام به منزله جان نفس پیغمبر است و غلبه اسلام و شوکت و

استیلای آن بنا به وعده خداوند و به مقتضای این آیه شریفه "هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره

علی الدین کلّه و لو کره المشرکون" (۴) به ظهور وجود مبارک حضرت صاحب الزمان حاصل می شود، و از طرفی

ولادت باسعادت آن حضرت در نیمه ماه شعبان واقع شده است، لذا حضرت ختمی مرتبت آن ماه را به وجود مبارک خود نسبت داده اند (5).

سید بن طاووس (ره) در "اقبال الاعمال" روایتی را از "امالی" و "ثواب الاعمال" شیخ صدوق آورده که در بردارنده جمیع معانی بالا درباره شرافت و عظمت این ماه و علت نام گذاری آن به شعبان است.

او می نویسد اصحاب در محضر رسول خدا (ص) سخن از فضایل شعبان کردند، آن حضرت فرمود: "شعبان ماه شریفی است و آن، ماه من است و حاملان عرش (=فرشتگان) آن را بزرگ داشته، حق آن را می شناسند و آن ماهی است که روزی های مردم برای ماه رمضان در آن افزوده گشته، بهشت در آن آراسته می گردد و علت اینکه این ماه شعبان نامیده شده، آن است که روزی مومنان در آن گسترش می یابد و عمل نیک در آن هفتاد برابر می گردد و بدی های انسان در آن فرو ریخته، گناهان آمرزیده می گردد و اعمال نیک مورد پذیرش قرار می گیرد و خداوند جبار - جل جلاله - به بندگان مباحات می کند و با نظر رحمت به روزه داران و شب زنده داران شعبان می نگرد و به وجود آنها بر حاملان عرش می بالد (6).

شب نیمه شعبان

نیمه شعبان در فرهنگ نامه ها و متون کهن، "شب برات" نامیده شده و این بدان خاطر است که بنا به روایات، خداوند در این شب "برات آزادی" از دوزخ را به بندگان خود می بخشد. و این شب برات در ادب فارسی و متون کهن - نظم و نثر - بازتاب هایی داشته که به چند مورد آن اشاره می رود: ابوریحان بیرونی در کتاب "التفهیم" در این باره چنین آورده: "و شب پانزدهم از ماه شعبان، بزرگوار است و او را "شب برات" خوانند و همی پندارم، این از قبیل آن است که هر که اندرو عبادت کند و نیکی به جای آورد، بیزاری یابد از دوزخ". (۷) رامپوری نیز در "غیاث اللغات" شب نیمه شعبان را "شب برات" دانسته می نویسد: "شب برات شب پانزدهم شعبان است که در آن شب ملائکه به حکم الهی حساب عمر و تقسیم رزق می کنند (8).

حافظ، شب برات را شب قدر دانسته و در غزل معروف خود، شب قدر و "شب برات" را هنرمندانه با هم آورده می سراید:

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی آن "شب قدر" که این تازه "براتم" دادند

برات:

اما اینکه "برات" به چه معناست و بن و ریشه این واژه چیست؟ در "حافظ نامه" این توضیحات آورده شده است: "برات" از "برائت" عربی است و آن: "نوشته ای است که بدان، دولت بر خزانه یا حکام، حواله وجهی دهد". (فرهنگ معین) علامه قزوینی در حواشی خود بر "چهار مقاله" با استناد به "ذیل قوامیس عرب" به نقل از "دُزی" می نویسد: "(برات) را به "بروات" جمع بندند و این کلمه عربی است و در اصل "برائت" بوده و به معنای "بریء الذمه"

گردیدن از دین" است و صواب آن در جمع "براءات" یا براوات است. گویندگان فارسی به اعتبار حواله مکتوب هر حواله یا وارد معنوی را نیز "برات" اصطلاح کرده اند (9).
لیله الصک:

شب برات را "لیله الصک" نیز گفته اند. صک، معرب چک فارسی و مترادف با برات است، آن روز چهاردهم و در واقع شب پانزدهم شعبان است. رامپوری در فرهنگ "غیاث اللغات" به نقل از "بهار عجم" و "سراج اللغات" آورده که: "شب چک به معنی شب برات است که در آن چراغانی و آتش بازی (= جشن و شادمانی) کنند (10)."

اشارات شاعران

سخنوران و شاعران پارسی زبان در سرودهای خود به این مضمون که نیمه شعبان، شب برات، لیله الصک، شب بیزاری و برات از آتش دوزخ، همچنین شب عبادت و به تعبیری "شب قدر" است، اشاراتی داشته اند که در اینجا به اقتضای کلام اشاراتی می رود. بهترین شاهد در این مضمون، شعرشیرین و شورانگیز حافظ شیرازی است که در آغاز سخن بدان اشاره شد و توضیحاتی در پی آن آمد. عارف شیرازی "شب قدر" و "شب برات" را در کنار هم نشانده و با هم آورده است.

آن "شب قدر" که آن "تازه براتم" دادند.

مولوی نیز در "دیوان شمس" شب برات را شب قدر دانسته، می گوید:

شب "قدر" است او، دریاب او را امان یابی چو برخوانی "براتش" (11)

یا در غزل دیگری در همان دیوان می گوید:

آمد شعبان عمداً، از بهر "برات" ما تا روزی و پیروزی از بخشش رب بیند (12)

عارف غزنه، سنایی نیز روزان و شبان مقدس و گران ارج در یک بیت چنین آورده:

ازمان آمدند بهر ثنات جمعه و بیض و قدر و عید برات (13)

سعدی نیز شب برات را شب قدر دانسته، دروازه های هفت آسمان را در چنین شبی گشوده می بیند و آدمیان را به غنیمت شمردن آن لحظه ها هشدار می دهد.

شبى چنین، در هفت آسمان باز زخویشتن نفسى اى پسر به حق پرداز

مگر زمدت عمر، آنچه مانده دریابی که آنچه رفت به غفلت دگر نیاید باز

چه روزهاست به شب رفت در هوا و هوس شبى به روز کن آخر به ذکر و شکر و نماز (14)

شاعران معاصر نیز از این مضمون غفلت نکرده و در اشعار خود به شب برات بودن نیمه شعبان تلمیح و اشاراتی داشته اند که ابیاتی از آنان نیز در ذیل می آید: میرزا سید مهدی قدسی -برادر ادیب الممالک فراهانی- می گوید:

ای امام زمان و مظهر ذات مر خدا را جمال تو مرآت

شب میلاد توست آن شب قدر که خدا نام آن گذاشت برات

تو مگر خضر راه ما باشی ورنه ره گم کنیم در ظلمات
چشم یاران و دوستان روشن گل نرگس شکفت در گلشن (15)
آزاد عراقی (اراکي) نیز می گوید:

چون میلاد پادشاه عقول و ذوات در نیمه این ماه پربرکات روی داده است، خداوند این شب را برات نامیده است.
به ویژه نیمه شعبان، مه خجسته صفات مهی که نیمه آن هست و غره برکات پ
مهی که عرش ازو کسب می کند درجات نهاد نام خداوند از آتش، ماه برات
که شد تولد شاهنشاه عقول و ذوات امام قائم بالحق، ولی رب ودود (16)
میرزا عبدالکریم ثاقب نیز چون دیگر شاعران ولایی، پانزدهم شعبان را به خاطر میلاد مظهر ذات و صفات، شب
قدر و روز برات می داند و می سراید:
ای مه شعبان، شعب مکرّمات ای شب قدر من و روز برات
ای یم اثبات، سفینه نجات ای مه میلاد شه کائنات
در تو عیان، مظهر ذات و صفات حجّت حق، شاهد غیب و شهود (17)
ابوالحسن خائف دزفولی نیز آن را شبی می داند که تقدیر و قضا و قدر در آن جاری است و از شب معراج بالاتر و
برتر می باشد.

شب مشهور تر اندر جهان از لیلہ الاسرا که اندر ماه شعبان، لیلہ خامس عشر آمد
چه شعبان، آنکه باشد شهر رحمت، ماه پیغمبر که در این مه به گیتی، آن خدیو دادگر آمد
شب قدر و براتش، صادر از دیوان حق، آری که در حکمش قضا باشد، به فرمانش قدر آمد (18)
میرزا حسن ربّانی گرکانی نیز به شعبان خوش آمد گفته، آن را شب غفران می داند و می گوید:
یک ساله ره سپرد مه شعبان تا خیر و برکت آرد بر کیهان
سالی در انتظار به سر بردیم اهلاً و مرحباً بک یا شعبان!
ماه پیغمبر است و شب و روزش روز برات هست و شب غفران
فرخنده ساخت گویی شعبان را میلاد شاه و رهبر انس و جان (19)
شاعر ناشناس دیگری این گونه لطیف می سراید:

ای آنکه لب لعل تو چون آب نبات است اما چه نباتی که به از آب حیات است
خطّ تو چو خضر و سر زلفت ظلمات است امشب که شب نیمه شعبان و برات است (20)
از او لطیف تر، مرحوم حجّت الاسلام سید محمد باقر امامی از عالمان اهل ذوق معاصر و صاحب مثنوی "حقیقت
نامه" می گوید:

ای مجلسیان مژده که این ماه برات است یک بوسه مرا از لب آن ماه، برات است

در عالم اگر آب حیات در ظلمات است زلفت ظلمات است و لب آب حیات است (21) شب برات در تفاسیر

ابوالنفوح رازی - مفسر شیعی - ضمن نقل روایتی از ابن عباس می نویسد که: "خدای تعالی حکم ها در نیمه شعبان، فصل کند و در شب قدر به فرشتگان سپرد (22)".
فخر رازی نیز در تفسیر کبیر خود آورده است: "طبق روایتی که عکرمه نقل کرده است، شب قدر همان "لیله البرات" است. (23) همچنین میبیدی در "کشف الاسرار" به نقل از عکرمه آورده: "اللیله المبارکه: لیله النصف من شعبان؛ خداوند جبرئیل را در آن شب به آسمان دنیا فرو فرستاد تا اینکه قرآن را بر کاتبان املا کند و آن را مبارکه نامیده، زیرا که آن پرخیر و برکت است به خاطر آنچه که در آن از رحمت فرو فرستاده شده، دعا در آن به اجابت می رسد (24)".

شور آبادی نیز در ذیل آیات اولیه سوره دخان آورده است:

"اما بگفتیم این قرآن را و بفرستادیم جبرئیل را بدین قرآن در شب برکت و آن شب قدر است و گفته اند: "شب چک" (=نیمه شعبان) و بیشتر مفسران بر آن اند که آن شب قدر است. شور آبادی همچنین درباره "الکتاب المبین" می نویسد: سوگند به نامه هویدا و آن قرآن است و گفته اند: "لوح محفوظ" و گفته اند آن نسخه است که شب قدر کنند و گفته اند: این نسخه به شب برات کنند و آن چهار گونه نسخه بود: یکی نسخه احوال بود به دست جبرئیل و دیگر نسخه ارزاق بود به دست میکائیل، دیگر نسخه اجل بود به دست عزرائیل، چهارم نسخه اعمال بود به دست اسرافیل (25)".

با این همه، بیشترین تعبیرات و توصیفات درباره لیله البرات و شب قدر بودن نیمه شعبان در "کشف الاسرار" میبیدی آمده است. او می نویسد: "در آثار آمده که شب نیمه شعبان، صحیفه عمر به دست عزرائیل دهند، هر که را در آن سال قبض روح باید کرد، نامش در آن صحیفه آورده، یکی به عمارت مشغول گشته، یکی دل بر عروسی نهاده، یکی با دیگری خصومت در گرفته، هر کسی کاری و بازاری ساخته، (در حالی که) نام ایشان در آن صحیفه، اثبات (=ثبت) کرده (26)".

غزالی نیز در "کیمیای سعادت" این مضمون را اینگونه آورده است:

"و در اثر است که شب نیمه شعبان؛ صحیفه عمر به دست ملک الموت دهند. هر که را در این سال جان باید گرفت، نام وی در آن صحیفه نوشته بود (27)".

میبیدی در نوبت ثالثه تفسیر خود، که تأویل عرفانی آیات است، در ذیل آیات نخستین سوره دخان می نویسد: "حم و الکتاب المبین، انا أنزلناه فی لیله المبارکه" (28) این شب مبارک، به قول بیشتر مفسران، شب "نیمه شعبان" است و آن را "مبارک" خوانند از بهر آنکه پرخیر و برکت است همه شب، داعیان را اجابت است، سائلان

را عطیت است، عاصیان را اقالت (=گذشت) است، محبان را کرامت است. همه ی شب، درهای آسمان گشاده، جنّات عدن و فرادیس اعلی (=بهشت های برین) درها باز نهاده، ساکنان جنّات الخلد بر کنگره ها نشسته، ارواح انبیا و اولیا فراطرب آمده و از دوست خطاب آید: "هل من سائل فأعطیته؟ هل من مستغفر فأغفر له؟ آیا خواهنده ای هست تا به او ببخشم؟ آیا استغفار کننده ای است او را بیامرزم؟" (29)!

نام های شب نیمه شعبان

میبدی در "کشف الاسرار" نام های ذیل را که هر کدام به جنبه ای از عظمت این شب اشارت دارد، بر می شمارد: "شب نیمه شعبان را نام هاست: شب برات گویند و شب نسخت، شب فرق و شب عرض؛ هر که در این شب تا دیگر سال از دنیا رفتنی است نسخت آن از لوح محفوظ بردارند و به عزرائیل دهند. گویند: "این شغل تو است تا دیگر سال". هر چه خسف (=کمبو و نقصان) و مسخ (=برگرداندن صورت کسی یا چیزی) بود و سیاست و بلیات و انواع عذاب، نسخت کنند و به جبرئیل دهند و گویند: "این کار تو است تا دیگر سال هر چه نعمت و راحت و روزی بندگان بود، نسخت کنند و به میکائیل دهند و هر چه عز و مرتبت و اقبال و دولت بود، نسخت کنند و به اسرافیل دهند (30).

"صلوه الخیر" در شب نیمه شعبان

یکی از اعمال و آدابی که پیشینیان، از همه فرقه ها، در شب نیمه شعبان بدان اهتمام داشته اند. "صلوه الخیر" یا "نماز هزار قل هو الله" است. و این نشان دهنده این مطلب می باشد که همه فرق مذهبی از شیعه و سنی این شب را عظیم و شریف دانسته و بر اساس روایات رسیده از پیامبر و خاندان او، آن را همتای شب قدر می دانسته و آن را تا به صبح، به احیا و شب زنده داری و نذر و نیاز و اطعام می پرداخته اند. عالم بزرگوار سید بن طاووس (ره) در کتاب شریف "اقبال" یکی از اعمال و آداب این شب را اقامه نماز صد رکعتی نوشته و در کیفیت آن می نویسد:

در روایتی درباره فضیلت صد رکعت نماز _ در هر رکعت سوره حمد یک مرتبه و سوره توحید ده مرتبه _ آمده است که از رسول خدا (ص) نقل شده: "هر کس این نماز را در این شب بخواند، خداوند هفتاد بار به او نظر رحمت می کند و در هر نظر، هفتاد حاجت او را بر آورده می کند که کمترین آنها، آمرزش اوست (31)."

غزالی در "احیاء علوم الدین" پس از ذکر کیفیت این نماز می آورد:

"سلف (=پیشینیان) این نماز را اقامت نمودندی و "صلوه الخیر" خواندندی و بر آن جمع شدند و بسی بودی که به جماعت گزاردندی و حسن (بصری) گفت: "از سی کس از اصحاب پیغامبر شنیدم که هر که در این شب نماز کند، حق تعالی در وی هفتاد نظر رحمت فرماید که به هر نظری، هفتاد حاجت وی را روا کند و کمتر آن آمرزش است (30)."

"ابن بطوطه" - جهانگرد مسلمان - از اهتمام مکیان به این نماز در شب نیمه شعبان و احیای این شب شریف این گونه گزارش می دهد:

"شب نیمه شعبان و از لیالی متبرکه است . مردم مکه این شب را به طواف و نماز و عمره می گذرانند. هر دسته پشت سر پیش نماز در مسجد الحرام گرد آمده ، چراغ ها و مشعله ها می فروزند. از اعمال این شب ، صد رکعت نماز است... " (۳۱) "ابن جبیر" - دیگر جهانگرد مسلمان - نیز از عنایت مکیان به این شب و آداب و آیین آن این گونه می نویسد: "این شب مبارک ، نزد اهل مکه ، به سبب روایتی شریف که درباره آن رسیده ، بسیار بزرگ است . آنان در این شب به اعمال خیر و عبادات از عمره و طواف نماز فرادا و جماعت می پردازند و به چند گونه این اعمال را به جا می آورند . ما ، شب شنبه که همان نیمه شعبان بود به راستی مراسمی بزرگ و اجتماعی سترگ در حرم مقدّس ، پس از نماز مغرب دیدیم . مردم ، گروه گروه به خواندن نماز های نافله می پرداختند... هر گروهی را پیش نمازی بود. حصیرها گسترده و شمع ها افروخته و دل ها از شوق سوخته مردم در آن خجسته شب به چند دسته تقسیم شده بودند ، بیشتر آنان "مالکی مذهب" بودند. آن شب از شب های نامداری بود که امید می رود از زبده شب های تقرّب باشد (32)."

"ابن بطوطه" یکی از آیین و آداب مصریان را در این شب ، حضور در زیارت گاه ها می داند و از مشاهدات خود می نویسد که : "مردم مصر شب نیمه شعبان را در گورستان ها (و زیارت گاه ها) به سر می برند". (۳۳) شمس الدّین دمشقی نیز از آیین بزرگداشت این شب در دمشق این گونه روایت می کند: "دمشق شهری است از روزگار قوم عاد و بس کهن ... در این شهر مسجد جامعی است که غرق در زیبایی ، نکویی ، کمال و جمال است و از شگفتی های گیتی است. شب نیمه شعبان در این مسجد دوازده هزار قندیل با پنجاه قنطار دمشقی ، روغن چراغ زیتون در آن شعله ور می شود، البته این مقدار جز قندیل هایی است که در مسجد های دیگر ، گورستان ها ، خانقاه ها ، کاروانسراها و بیمارستان های این شهر برافروخته می گردد." (۳۴) البته شمس الدّین دمشقی ذکر نمی کند که چرا دمشقیان در این شب خاص ، این همه قندیل در اماکن مذهبی بر می افروخته اند؟! ناگفته پیداست که آنان نیز مانند دیگر مسلمانان ، برای این شب شریف ، شکوه و شرافتی ویژه و ارج و مرتبتی والا قائل بوده اند و آن را به احیاء عبادت و شب زنده داری می گذرانده اند.

مقصود از آوردن این شواهد از متون کهن ، آن هم از برادران اهل سنت و جماعت بدین خاطر بود که بدانیم آنان نیز بر اساس روایات رسیده از پیامبر خاتم (ص) مانند دیگر برادران مسلمان خود ، برای این شب ، عظمتی خاصّ قائل بوده و آن را شب قدر یا همتا و هم ردیف با آن می دانسته اند ، به همین جهت در تعظیم و تکریم آن می کوشیده اند.

شب قدر

عالم عامل ربّانی و مؤید به تأییدات سبحانی ، مرحوم سیّد بن طاووس (ره) در کتاب "اقبال" در والایی این شب ، این گونه آورده است : "جدم ابو جعفر طوسی (شیخ طوسی) به نقل از ابویحیی آورده که ، امام صادق (ع) فرمودند : از پدرم امام باقر (ع) درباره فضیلت شب نیمه شعبان پرسیده شد ، فرمودند : "این شب برترین شب بعد از شب قدر

است. خداوند در این شب، نعمت های افزون خود را به بندگان ارزانی می دارد و به منت خود می آمرزد، در این شب در تقرب به درگاه خداوند متعال بکوشید، زیرا این شبی است که خداوند عزّ و جل بر خود سوگند یاد کرده که هیچ خواهنده و سائلی را، تا زمانی که معصیتی را نطلبد، ردّ نکند. (همچنین) این شبی است که خداوند آن را در برابر شب قدر، که برای پیامبر اکرم (ص) قرار داده، برای ما (اهل بیت) قرار داده است. پس در دعا و ثنا به درگاه خدای متعال بکوشید (36)."

روایت سید:

سید، همچنین در فضل و فضیلت این شب شریف، روایتی معروف را که در آن سرآمد عمر آدمیان و تقسیم روزی همگان و رویدادهای سال آینده، تقدیر می گردد، آورده و آن را با روایت مشهوری که همه رخدادهای بالا در شب قدر رمضان هر سال اتفاق می افتد، سنجیده، آن را به خوبی تأویل و توجیه می نماید که به خاطر اهمیت آن، سخنان سید را به طور کامل می آوریم: "در برخی از کتاب های دعا آمده است که، رسول خدا (ص) فرمودند: در شب نیمه شعبان خوابیده بودم که جبرئیل آمد و گفت: ای محمد! آیا در این شب می خوابی؟ گفتم: مگر امشب چه شبی است؟ گفت: نیمه شعبان! برخیز! پس مرا این سان بیدار کرد و با خود به بقیع برد و گفت: سرت را بلند کن که امشب، درهای آسمان گشوده می گردد و در نتیجه درهای رحمت، خشنودی، آمرزش، تفضل، توبه، نعمت، بخشش و نیکی در آن گشاده می گردد و خداوند در آن به شماره مو و پشم چارپایان، بندگان را آتش جهنم آزاد می کند و سرآمد عمر انسان ها را در آن استوار می سازد و روزی های همگان را تا سال آینده تعمیم می کند و همه رخدادهای سال آینده در این شب نازل می گردد (35)."

سید می نویسد: اگر گفته شود، تأویل و توجیه روایت بالا با این معنا که در احادیث فراوانی آمده که سرآمد عمر آدمیان و تقسیم روزی ها در شب قدری که در ماه رمضان واقع است، چیست؟ در پاسخ می گویم:

۱- شاید مراد این باشد که تعیین سرآمد عمر آدمیان و روزی همگان که در شب نیمه شعبان صورت می گیرد، امکان "محو و اثبات" در آن وجود دارد اما آنچه در شب قدر، رمضان مشخص می گردد، حتمی است.

۲- شاید مقصود این باشد که آن تقسیم و تقدیر در علم الهی، در شب نیمه شعبان در لوح محفوظ مشخص و تقسیم می شود.

۳- احتمال دیگر آنکه در شب نیمه شعبان در لوح محفوظ مشخص می شود و در شب قدر میان بندگان تقسیم می گردد.

۴- احتمال دیگر این است که در شب نیمه شعبان، وعده تعیین عمر آدمیان و تقسیم روزی همگان در شب قدر داده شود. در نتیجه در شب نیمه شعبان وعده تعیین و تقسیم داده می شود یا اینکه در شب نیمه شعبان تقدیر می گردد و سرانجام در شب قدر، تقسیم می گردد؛ چنان که پادشاهی در شب نیمه شعبان وعده بدهد که در شب قدر اموالی را به کسی خواهد بخشید. بدین ترتیب روشن شد که درست است اگر در مورد هر دو شب گفته شود در آنها، سرآمد عمر انسان ها تعیین و روزی همگان تقسیم و تقدیر می گردد. (۳۶) مرحوم آیت الله

میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (ره) این اشکال را در مراقبات این گونه پاسخ می دهد که: "تقدیر، مراتب و مراحل گوناگونی دارد (37)".

در باب ۳۵ فتوحات مکیه روایاتی را که در اختلاف ليله القدر مروی است که در نیمه شعبان است، یا در شهر رمضان بدین وجه جمع کرده است که: "نیمه شعبان، ليله القدر فرقانی است و ليله القدر رمضان، ليله القدر قرآنی است" و این کلامی سخت استوار است.

پی نوشت ها:

- ۱- دیوان حافظ
- ۲- دایرة المعارف تشیع، ج ۹، ص ۵۹۱.
- ۳- موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، ابواب الجنّات، ص ۵۷۰.
- ۴- سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ترجمه محمد روحی، ج ۲، صص ۸۶۱-۸۶۲.
- ۵- ابوریحان بیرونی، التّفهیم، ص ۲۵۲.
- ۶- رامپوری، غیاث الدین غیاث اللغات، به اهتمام منصور ثروت، صص ۵۰۳-۵۰۴.
- ۷- خرمشاهی، بهاءالدین، حافظ نامه، ج ۱، ص ۶۷۲.
- ۸- غیاث اللغات، ص ۵۰۴.
- ۹- مولوی جلال الدین، دیوان شمس، به تصحیح عزیز الله کاسب، ص ۲۵۲.
- ۱۰- همان، ص ۴۹۸.
- ۱۱- دیوان سنایی.
- ۱۲- کلیات سعدی، بخش قصاید، محمد علی فروغی، ص ۳۰.
- ۱۳- عبرت نائینی، محمد علی، تذکرة انجمن قدس، ج ۱، ص ۱۰۵۳.
- ۱۴- همان، ص ۲۹.
- ۱۵- همان، ص ۲۷۵.
- ۱۶- همان، ص ۴۶۰.
- ۱۷- همان، صص ۴۹۱-۴۹۲.
- ۱۸- همان، ج ۲، ص ۱۴۳۲.
- ۱۹- امالی، محمد باقر، مثنوی حقیقت نامه، ص ۱۶۹.
- ۲۰- تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۲، ص ۱۳۳، به نقل از حافظ نامه، ج ۱، ص ۶۷۲.
- ۲۱- تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۳۲، ص ۲۹، به نقل از حافظ نامه، ج ۱، ص ۶۷۲.
- ۲۲- میبدی، کشف الاسرار، به تصحیح علی اصغر حکمت، ج ۹، ص ۹۴.
- ۲۳- تفسیر شورآبادی، ج ۴، ص ۲۲۸۳، به تصحیح سعیدی سیرجانی.

- ۲۴ ● - کشف الاسرار، ج ۳، ص ۳۸۱.
 - ۲۵ ● - غزالی کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۶۲۶، به تصحیح حسین خدیوچم.
 - ۲۶ ● - کشف الاسرار، ج ۹، ص ۱۰۱.
 - ۲۷ ● - همان، ص ۱۰۲.
 - ۲۸ ● - سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ترجمه محمد روحی، ج ۲، ص ۸۹۵-۸۹۶.
 - ۲۹ ● - غزالی، احیاء علوم الدین، ترجمه مؤید الدین محمد خوارزمی، ربع یکم، ص ۴۳۸.
 - ۳۰ ● - موحد، محمد علی، سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۲۰۸.
 - ۳۱ ● - اتابکی، پرویز، سفرنامه ابن جبیر، صص ۱۸۴-۱۸۵.
 - ۳۲ ● - سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۷۳.
 - ۳۳ ● - دمشقی، شمس الدین محمد نخبه الدهر، ص ۳۰۴.
 - ۳۴ ● - اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۸۷۷.
 - ۳۵ ● - همان، صص ۸۹۳-۸۹۴.
 - ۳۶ ● - همان، صص ۸۹-۸۹۷.
 - ۳۷ ● - تبریزی، میرزا جواد ملکی، مراقبات، ص ۱۷۲.
- منبع: نشریه موعود شماره ۱۰۲